

طرحی از نظام خدانشناسی آیین هندو در ویشنوپورانه

محمدرسول ایمانی / دانشجوی دکتری مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*
mrasool.imanik@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۴/۸/۹ - پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۱۸

چکیده

ویشنوپورانه، یکی از هجده پورانه اصلی و از جمله متون اصلی فرقه ویشنوه آیین هندو است. در این متن، با تلفیق اسطوره‌های کهن هندویی و دستاورد مکاتب مهم فلسفی هند، همچون ودانته و سنکهایه، ساختار منسجمی از خدایاوری هندویی به تصویر کشیده شده و خدایان متکثر ادوار مختلف در الهیاتی وحدت وجودی هضم شده‌اند. از این رو، متن مناسبی برای آشنایی با صورت تکامل یافته باور به خدا در آیین هندو می‌باشد. این نوشتار، با رویکرد اسنادی - تحلیلی، دیدگاه این متن در مورد مهم‌ترین مسائل خدانشناسی را استخراج و با ارائه تبیین منطقی از ربط و نسبت، سعی نموده تا خدایان متکثر و موجودات الوهی در نظام منسجمی جای داده شوند. بر اساس مهم‌ترین یافته این تحقیق، نظام خدانشناسی ویشنوپورانه، ساختاری متشکل از ذات بسیط و غیرشخصی خدای متعال و مراتب تشخیص یافته آن ذات است. ذات غیرشخصی خداوند، با تشخیص در صورت‌های گوناگون، مراتب مختلفی از موجودات اعم از خدایان سه‌گانه و اصلی، خدایان فرعی، موجودات الوهی و پدیده‌های طبیعی را پدیدار می‌سازد؛ پدیده‌هایی که جملگی حصه‌ای از انرژی ویشنو هستند و نباید آنها را وجود حقیقی و مستقلی تلقی کرد.

کلیدواژه‌ها: آیین هندو، خدا، دوه‌ها، نظام خدانشناسی، ویشنوپورانه.

مقدمه

باور به خدا در طول تاریخ آیین هندو، با گذر از ادوار گوناگون تاریخی، روندی تکاملی طی کرده و چندگانه‌پرستی، که وجه غالب مراحل آغازین دوره وده‌ای است، در دوره کلاسیک به الهیاتی توحیدی تبدیل شده و موجودات الوهی متکثر، در یک الهیات وحدت وجودی هضم شده‌اند. از میان منابع مربوط به این دوره، شاید پورانه‌ها نسبت به سایرین، تصویر روشن‌تری از باور به خدا در این دوره به نمایش می‌گذارد؛ چراکه در این متون، با تلفیق سنت کهن و اسطوره‌های هندویی با دستاورد مکاتب فلسفی هند، نظامی را ترسیم می‌کند که می‌توان انسجامی نسبی بین اجزاء و مؤلفه‌های مختلف آن را مشاهده کرد و پراکندگی خدایان متکثر و موجودات الوهی را در ساختار واحدی ملاحظه نمود. در این زمینه، از میان متون پورانه‌ای شاید ویشنوپورانه، منبع مناسب‌تری برای انجام این مهم باشد؛ چراکه در عین اختصار نسبت به پورانه‌های دیگر، به نحو کامل‌تر و جامع‌تری تعالیم هندویی و از جمله باور هندوان متأخر در خصوص خداوند را به نمایش می‌گذارد. این متن، با زبان اسطوره‌ای خود حاوی فقرات فراوانی است که به معرفی خداوند و کیفیات و افعالش پرداخته، می‌تواند مکان مناسبی برای استخراج پاسخ مهم‌ترین سؤالات در خصوص باور به خدا باشد. در این نوشتار، پس از معرفی ویشنوپورانه، مهم‌ترین مؤلفه‌های نظام خدانشناسی ویشنوپورانه از لابه‌لای این متن استخراج، آن‌گاه با تبیین و ربط و نسبت آنها، نظام خدانشناسی این متن ترسیم شده است.

پیش از پرداختن به موضوع، بیان دو نکته ضروری است: اولاً، رویکرد و نحوه تقرب این پژوهش به موضوع، رویکردی است که در دین‌پژوهی تطبیقی اتخاذ می‌شود (ر.ک: قراملکی، ۱۳۸۷، گفتار دوازدهم). در این رویکرد، تلاش شده است تا فارغ از هرگونه پیش‌داوری و از منظر اهالی ادیان، باورهای یک دین مورد مطالعه قرار گرفته، با رویکردی همدلانه، باورهای خاص هر دین از منظر پیروان همان دین بررسی شود. طبیعی است از آنجاکه لازمه چنین رویکردی، تلاش در جهت فهم بهتر یک آموزه از دریچه ذهن باورمندان به آن است، نتایج به‌دست‌آمده دلالتی بر صحت و سقم آنها نخواهد داشت. همچنین لازمه ارزیابی انتقادی آنها، داشتن تصویر روشنی از آموزه‌ها خواهد بود. ثانیاً، از آنجاکه هدف این رساله ارائه نظام منسجمی از باور به خدا در ویشنوپورانه بوده، برای اشاره به حقیقت غیرشخصی خداوند، که ساری و جاری در همه پدیده‌هاست، از واژه «خدای متعال» استفاده شده است. انتخاب چنین عنوانی به این جهت است که در ویشنوپورانه، برای اشاره به این حقیقت غیرشخصی خداوند، که متعال از تمامی خدایان اصلی و فرعی و کل جهان است، از اسامی مختلفی استفاده شده و احکام

مربوط به مرتبه غیرشخصی خداوند به هریک از ویشنو، برهما، کریشنه نسبت داده شده است. از این‌رو، برای فهم بهتر خدانشناسی این متن، از عالی‌ترین مرتبه ذات که در قالب خدایان فوق‌ظاهر می‌گردد، به «خدای متعال» یاد شده است.

معرفی ویشنوپورانه

ویشنوپورانه، یکی از هجده پورانه‌های اصلی است که مربوط به دسته ستوه بوده و پس از بهاگوته‌پورانه، مهم‌ترین متن در نزد فرقه ویشنوه می‌باشد. این پورانه، مشتمل بر بسیاری از داستان‌ها و اسطوره‌هایی است که در سنت وده‌ای سابقه داشته است. این پورانه از این داستان‌ها برای تبیین و تشریح آموزه‌های کلی خود در خصوص خدانشناسی، جهان‌شناسی و نجات‌شناسی استفاده کرده است.

در ویشنوپورانه، پرستش ویشنو از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تجسدها و اوتاره‌های ویشنو در این پورانه به تفصیل معرفی شده‌اند. افزون بر اینکه، بیان سرگذشت برخی شخصیت‌های الوهی همانند کریشنه، به‌عنوان یکی از این اوتاره‌ها، بخش قابل‌توجهی از این کتاب را به خود اختصاص داده است.

در مورد چگونگی تألیف و نگارش ویشنوپورانه، دو دیدگاه کلی مطرح است: در یک دیدگاه، که مؤیداتی بر آن را در خود فقرات ویشنوپورانه نیز می‌توان یافت (ویلسون، ۱۸۴۰، ج ۱، ص ۵)، مؤلف ویشنوپورانه پراشره (parashara) (ر.ک: پارسون، ۲۰۰۹، ص ۷۷) دانسته می‌شود. در دیدگاهی دیگر، این متن همانند برخی دیگر از متون هندویی، به ویاسه نسبت داده می‌شود. ویاسه (vyāsa)، شخصیت‌محوری در کل پورانه‌ها، بلکه سنت هندویی است. وی کسی است که وده‌ها را تنظیم کرده، به شکل چهارگانه کنونی تدوین نموده است. وی مؤلف مهاربهاراته نیز دانسته می‌شود. از این‌رو، دارای جایگاه محوری و تأثیرگذار است که در ویشنوپورانه به‌عنوان اوتاره ویشنو تلقی می‌شود (همان، ج ۳، ص ۳۳). اوتاره خواندن ویاسه، بدین معناست که ویشنو در ادوار گوناگون خود را در ویاسه‌های مختلف ظاهر کرده، به تألیف و یا انشاء متون دینی اقدام کرده است. براین اساس، می‌توان بین دو دیدگاه فوق‌قرابتی ایجاد کرد و گفت: انتساب همزمان ویشنوپورانه به پراشره و ویاسه صحیح می‌باشد؛ چراکه پراشره اسم خاص بوده و هم او مؤلف ویشنوپورانه است و ویاسه اسم عامی است که بر افراد و نویسندگان مختلفی از جمله پراشره صدق می‌کند. هرچند ممکن است ویاسه‌ای که از شخص منجاری در سنت هندویی حکایت می‌کند نیز وجود داشته است.

در مورد تاریخ تألیف ویشنوپورانه باید گفت: بحث از تاریخ دقیق تألیف این متن و به‌طور کلی، تمامی متون مقدس هندویی، کاری دشوار و محل اختلاف و بحث فراوانی است. از جمله علل این امر، بر خلاف تمدن مصر و بین‌النهرین، این است که بیشتر اسناد و نسخه‌های اصلی متون هندویی، ابتدا بر روی برگ خرما یا موارد مشابهی نوشته می‌شدند که در معرض زوال بوده و عمر آنها نمی‌توانست از چند صد سال تجاوز کند (استیون، ۲۰۰۶، ص ۱۴۰). از این رو، لودو راجر، یکی از محققان برجسته پورانه‌ای معتقد است: «مشخص کردن تاریخ هیچ‌یک از پورانه‌ها به‌طور کلی امکان‌پذیر نیست» (راجر، ۱۹۸۹، ص ۴۸۶). فریدلم هاردی نیز با اشاره به عامل دیگری که تخمین تاریخ نگارش پورانه‌ها را مشکل کرده، بحث از تاریخ یک پورانه سانسکریتی را بی‌معنا دانسته، می‌نویسد: «نسل‌های متعددی از سراینده‌گان و امثال آنها در جمع‌آوری عناصر شکل‌دهنده این متون سهیم بوده‌اند؛ عناصری که در ادوار گوناگون به یک نام خوانده می‌شده‌اند» (هاردی، ۲۰۰۱، ص ۴۸۶). بنابراین، به جای بحث از تاریخ دقیق نگارش ویشنوپورانه، باید از تخمین‌هایی زد که با استناد به شواهد تاریخی و قرائن درون‌متنی مطرح شده‌اند و گاه تفاوت آنها از جهت زمانی به بیش از ده قرن می‌رسد. لودو راجر در جلد دوم *تاریخ ادبیات هند*، با ارائه فهرستی از تخمین‌های مختلفی که در خصوص تاریخ نگارش ویشنوپورانه مطرح شده، به نام صاحبان آنها اشاره می‌کند (راجر، ۱۹۸۹، ج ۲، ص ۲۴۹). در این فهرست، تخمین‌هایی از ۵۰۰ پیش از میلاد تا ۱۰۴۵ پس از میلاد مشاهده می‌شود؛ نظریه اخیر از آن ویلسون مترجم ویشنوپورانه می‌باشد.

در مورد ساختار کلی ویشنوپورانه باید گفت: در مقایسه با سایر متون عمده هندویی و حتی برخی پورانه‌ها، ویشنوپورانه از حجم کمتری برخوردار است (همان، ص ۲۴۶). برای نمونه، در مقایسه با بهاگوته پورانه، که دارای دوازده کتاب (سکنده) و سیصد و هجده فصل و مجموعاً هجده هزار فقره می‌باشد، ویشنوپورانه تنها دارای ۷۰۰۰ فقره است که در ۱۲۶ فصل (adhyayas) و ۶ کتاب (Amshas) سامان یافته است. محتوای این کتاب به صورت القاء معارف و تعلیمی است که توسط حکیمی به نام پراشره (Parāshara)، به شاگرد خود میتربه (Maitreya) القاء شده است. در جای‌جای ویشنوپورانه میتربه، سؤالی در باب موضوعات مختلفی از جمله اسطوره‌های کهن، سلسله دودمان پادشاهان، چگونگی خلقت و فروپاشی جهان و صفات ویشنو مطرح می‌کند و در پاسخ او، پراشره به ایراد تعلیمی در این خصوص می‌پردازد. ویشنوپورانه، خواننده را به زمانی بسیار دور برده و از آغاز جهان و چگونگی پیدایش موجودات سخن می‌گوید. به ادوار مختلف تاریخی اشاره کرده و حکایات و شرح‌حال سلسله‌های پادشاهی و دودمان آنها، که در این ادوار

سلطنت کرده‌اند، بازگو می‌کند. در نهایت، با توصیفی از کالی‌یوگه و چگونگی فروپاشی و اضمحلال جهان به پایان می‌رسد.

همچنین در مورد تعالیم ویشنوپورانه در مورد خدا باید گفت: ویشنوپورانه از دستاورد مکاتب فلسفی ماقبل خود، همچون سنکهییه و ودانته، برای نظم‌بخشی به هرج و مرج موجود در انجمن خدایان هندویی سود فراوان جسته، با تلفیق ثنویت مکتب سنکهییه با الهیات وحدت و جودی ودانته، خدایان متکثر را که از دوره وده‌ای محور عبادت و توسل هندوان بوده‌اند، در ساختار توحیدی خود جای داده است. بر این اساس، ویشنوپورانه مکتب فلسفی نیرومندی را ایجاد کرده که به همراه بهاگوته پورانه، ارکان اصلی فرقه بزرگ ویشنو را پایه‌ریزی کردند، به گونه‌ای که می‌تواند به‌عنوان متن مناسبی در اختیار پژوهشگرانی قرار گیرد که مایلند از باور آیین هندوی متأخر در خصوص خدا آگاهی یابند.

نسخه‌ای از ویشنوپورانه، که محور مطالعات ما در این نوشتار است، ترجمه‌ای انگلیسی از متن اصلی و سنسکریت آن است که به سال ۱۸۴۰م در لندن با عنوان ویشنوپورانه: دستگاه اسطوره‌شناسی و سنت هندویی به چاپ رسید. مترجم این اثر، هاریس همین ویلسون (۱۷۸۶-۱۸۶۰م)، شرق‌شناس انگلیسی است.

نظام خدانشناسی ویشنوپورانه

برای دستیابی به درک و فهم منسجمی در خصوص باور خدا در یک آیین خداباور، ارائه طرحی از نظام خدانشناسی آن راه‌گشاست. مراد از «نظام خدانشناسی»، ساختار منسجمی از باورها و تعالیم مربوط به خداست که بر مبانی مشخصی استوار بوده، دارای ارتباط منطقی و اجتماع آنها در کنار هم، تصویری کلی از خدانشناسی آن دین به نمایش می‌گذارد. برای ترسیم چنین نظامی، باید با طرح سؤالاتی در خصوص مبانی معرفت‌شناسی باور به خدا و نیز مبانی تصویری و تصدیقی، اعم از مفهوم خدا، سنخ‌شناسی هستی خدا، هستی و معنای صفات خدا و هدف و کیفیت فعل خداوند، مهم‌ترین اجزاء و مولفه‌هایی که اجتماع آنها می‌تواند در کنار هم، به شکل‌دهی یک نظام کمک کند، استخراج کرده و آن‌گاه با تبیین ربط و نسبت آنها با یکدیگر، ساختار منسجمی از این نظام را ارائه داد. به همین دلیل، در این قسمت ابتدا به مسئله شناخت خدا، به‌عنوان یکی از مبانی معرفت‌شناسی نظام خدانشناسی ویشنوپورانه می‌پردازیم و پس از مشخص کردن مهم‌ترین اجزاء و مولفه‌های این نظام، به تبیین و تحلیل رابطه آنها اقدام خواهیم کرد. در پایان، به دو مشخصه این نظام در بعد هستی‌شناسی، که می‌تواند شاخصه کلی این نظام تلقی گردد، اشاره می‌شود.

الف. مبانی معرفت‌شناسی

پیش از پرداختن به هر سؤالی در مورد خدا در یک آیین خداباور، باید نسبت به مسئله شناخت خداوند در آن آیین آگاه شد. مشخص کردن دیدگاه کلی یک دین در مورد امکان شناخت خداوند و راه‌های ممکن برای شناخت وی، باید به‌عنوان مبنا و اصلی تلقی گردد که امکان پرداختن به مسائل دیگر در حوزه خدانشناسی را ممکن می‌سازد. در ویشنوپورانه، عبارات متناقضی در مورد شناخت‌پذیری خداوند می‌توان یافت. برای نمونه، در فصل اول از کتاب پنجم ویشنوپورانه، حمدی از برهما در ستایش خدای متعال نقل شده که شناخت‌ناپذیری وی را به ذهن متبادر می‌سازد. در این ستایش، خطاب به خدای متعال گفته می‌شود: «تو غیرقابل تصور، غیرقابل توصیف و غیرقابل درک هستی» (همان، ج ۴، ص ۲۵۲). در مقابل، در برخی دیگر فقرات، نه‌تنها بحث از امکان شناخت خداوند، بلکه این شناخت، تنها معرفت درست و شایسته نام حکمت معرفی می‌شود. همچنان‌که در فصل نوزدهم از کتاب اول ویشنوپورانه، پَرلاده (prahlāda) هرگونه مشغول ساختن ذهن به غیرخدا را نوعی جهل و بازماندن از حکمت حقیقی معرفی کرده، صرف وقت برای تحصیل علوم را اتلاف وقت می‌داند. تنها تلاش برای کسب حکمت حقیقی، که همان شناخت خدای متعال است، تلاش سودمند معرفی شده است (همان، ج ۲، ص ۵۲).

مراجعه به سایر فقرات ویشنوپورانه، حاکی از این است که تعارض موجود در عبارات فوق، تعارضی بدوی بوده و هر یک از بیانات فوق، ناظر به ساحت خاصی از شناخت خدای متعال است. در ویشنوپورانه خداوند، همان روح متعال است که در جهان مادی و موجودات آن نفوذ کرده، تمامی پدیده‌های مشهود، در حکم صورتی برای این روح متعال می‌باشند. براین اساس، شناخت حقیقت این روح، که در دل پدیده‌ها پنهان است، امکان‌پذیر نیست. اما صورت مشهود وی، که همین جهان مادی است را می‌توان شناخت. در فصل دوازدهم از کتاب اول ویشنوپورانه، مدحی از زبان دَرووا (Dhruva) وجود دارد که در آن چون خدای متعال خود را به شکل اموری همچون، طبیعت، روح، جهان و برهما درآورده، شناخت وی از طریق این امور ممکن شمرده شده است (همان، ج ۱، ص ۱۷۲). براین اساس، هرگونه شناختی از جهان هستی که با ابزاری همچون حس و عقل تحصیل می‌شوند، درواقع نوعی شناخت خداست. اما شناخت ساحت و مرتبه‌ای از وی که مشهود است، اما ساحت غیرمشهود وی با هیچ ابزار و وسیله‌ای قابل شناخت نیست.

میزان توانایی قوه حس و عقل برای شناخت خداوند در فصل چهارم کتاب اول ویشنوپورانه آمده است. در آنجا خطاب به خدای متعال بیان می‌شود که «هرآنچه با ذهن درک می‌شود، هرآنچه با حواس،

احساس می‌شود و هرآنچه با عقل تمییز داده می‌شود، همگی با تو متحد است. با این حال، همگی صورتی از تو می‌باشند» (همان، ج ۱، ص ۶۰). از این رو، هم بر توانایی این قوا صحه گذاشته شده و هم به‌نوعی کارآمدی آن برای شناخت حقیقت و کنه ذات خداوند زیرسؤال رفته است. نه‌تنها حس و عقل، که معرفت نقلی نیز در این متن با چنین کاستی‌هایی روبه‌روست و شناخت ناشی از شنیدن گزارش‌های نقلی نیز از جمله معارف حسی شمرده شده است. با این حال، در کنار ناکارآمدی این قوا، از شناخت دیگری صحبت می‌شود که به جای آنکه خود را درگیر صور حسی و مشهودات کند، به مراقبه و تأمل بر خود ویشنو می‌پردازد و به حقیقت وی، که متحد با جهان است، راه می‌یابد. در فصل پنجم از کتاب ششم، با تفکیک این دو نوع شناخت، آمده است: شناخت حسی که از طریق حواس خمس حاصل می‌شود، همچون شناختی که از طریق گوش و نقل منابع دینی به دست می‌آید، در حقیقت جهلی بیش نیست و مانند نوری است که ذاتاً نوری ندارد، بلکه از منبع نور، یعنی چراغ تغذیه می‌کند. اما معرفت حقیقی که از طریق تأمل درونی به دست آمده، مانند خورشیدی است که نور آن از خودش می‌باشد. لذا شایسته نام معرفت صحیح می‌باشد (همان، ج ۵، ص ۲۱۰).

از آنچه گذشت می‌توان گفت: در ویشنوپورانه شناخت خداوند ممکن است، اما باید سطح انتظار خود از این شناخت را مشخص نمود. شناخت خداوند از طریق جهان مشهود، امری ممکن است. در این زمینه، می‌توان از تمامی ابزارهای معهود شناخت، اعم از حس و عقل و نقل مدد جست. اما همه این ابزارها، شناخت ناقصی به همراه دارند که ویشنوپورانه نام «جهل روحانی» را بر آن می‌نهد (همان، ج ۱، ص ۶۴). اما معرفت و حکمت صحیح در سایه تأمل بر خود برهما و نه صور مشهود آن است. در نتیجه چنین تأمل و مراقبه‌ای است که انسان از نگرش تمایزنگر بین خدا و جهان خلاصی می‌یابد و به شناخت شهودی ناب، که همان فهم اتحاد خدای متعال با جهان است، نائل می‌شود.

ب. اجزاء و مؤلفه‌های نظام

با عرضه برخی از مهم‌ترین سؤالات در مورد ذات، صفات و افعال خداوند بر ویشنوپورانه و بررسی فقراتی که مشتمل بر حکم و یا گزاره‌ای در خصوص این سه موضوع محوری هستند، می‌توان به اجزاء و مؤلفه‌های نظام خدانشناسی این متن دست یافت. این اجزاء عبارت‌اند از:

۱. ذات غیرشخصی خدای متعال

هستی ذات خداوند و سنخ وجود وی، از جمله مسائلی است که در فقرات متعددی از ویشنوپورانه به

آن پرداخته شده است. با این حال، وجود توصیفات متعدد، بلکه صدور احکام متعارض در باب هستی خدای متعال موجب شده تا در بدو امر، امکان برداشت تلقی واحد با مشکل مواجه شود. اما اگر این عبارات را ناظر به توصیف وجود غیرشخصی خداوند تلقی کنیم، قادر خواهیم بود به فهم روشن تری از هستی ذات وی در این متن دست یابیم.

در ویشنوپورانه، گاه خدای متعال چنان تنزیه می‌شود که از پذیرش هرگونه تکتیری مبرا می‌گردد؛ هستی وی ذاتی بسیطی معرفی می‌شود که فارغ از ابتدا و انتها و تولد و فناست (همان، ج ۱، ص ۱۸۱۷). درحالی که خاستگاه و منشأ حرکت و تکامل، همه موجودات در جهان است، ذات خود وی، یکپارچه و فارغ از هرگونه تغییر و زوالی است (همان، ج ۱، ص ۱۸۱۷).

در مقابل این رویکرد تنزیهی، در فقرات دیگری با اتخاذ رویکردی تشبیهی، خداوند چنان به جهان و پدیده‌های طبیعی نزدیک می‌شود که نمی‌توان مرز مشخصی را بین او و جهان ترسیم کرد؛ گاه مرز بین آن دو چنان برچیده می‌شود که از اشتغال، بلکه اتحاد وی و جهان سخن می‌رود. در این فقرات، برای نشان دادن اتحاد ذات خداوند با تمامی موجودات، از اینگونه عبارت استفاده می‌شود: «من پیوسته او را ستایش می‌کنم که به نام آسمان و زمین و آب و هوا و آتش نامیده می‌شود» (همان، ج ۵، ص ۲۵۴). در جایی دیگر، ویشنو با تمامی ستارگان، جنگل‌ها، کوه‌ها، رودها و دریاها متحد می‌گردد (همان، ج ۲، ص ۳۰۹). با ملاحظه این فقرات، باید گفت: خداوند در ویشنوپورانه، هم وجودی واحد و بسیط است و هم مشتمل بر تمامی کثرات خلقی و ساری در آنها است.

برای توافق بین دو جنبه متضاد فوق باید گفت: خداوند در ویشنوپورانه دارای حقیقتی غیرشخصی است که با حفظ بساطت و یکپارچگی خود در تمامی موجودات سریان می‌یابد. همین ویژگی، وی را قادر می‌سازد تا در همه مکان‌ها و در دل همه موجودات حاضر باشد. در حالی که قوالب وجود آنها را به خود نمی‌گیرد و یکپارچگی خود را کماکان حفظ می‌کند. می‌توان مساوی دانستن ذات ویشنو با علم و آگاهی در برخی فقرات (همان، ج ۱، ص ۱۶۳) را در همین راستا توجیه کرد؛ یعنی این تعبیر برای نشان دادن حضور همراه با آگاهی ذات غیرشخصی خدای متعال در تمامی پدیده‌هاست.

۲. صفات و کیفیات ویشنو

صفات و کیفیات خداوند، موضوع بحث فقرات بسیاری از ویشنوپورانه است. در این متن، صفات و کیفیات گوناگونی به خدای متعال نسبت داده شده که برای فهم بهتر، می‌توان آنها را از حیث شمول و فراگیری در سه دسته جای داد:

الف. در برخی فقرات، هر آنچه صفت و کیفیتی محسوب می‌شود، اعم از صفات کمالیه و صفات حاکی از نقص، به ویشنو نسبت داده شده است. در کنار صفات کمالی، صفات حاکی از نقصی همچون تغییرپذیری، زشتی، جهالت و شرارت نیز از آن او دانسته شده، بلکه با آنها مدح شده است (همان، ج ۲، ص ۶۲).

ب. دسته دیگری از فقرات ویشنوپورانه، صفات خداوند را تنها به صفات کمالی محدود می‌کنند و با بیان اینکه در ذات ویشنو هیچ‌گونه نقصی راه نمی‌یابد، هر آنچه بیانگر نوعی کمال و تعالی است، برای وی اثبات می‌شود. در این فقرات، با پذیرش اینکه ذات خدا ذاتی کامل است، صفاتی همچون تعالی، توفیق، قدرت، حکمت و انرژی به وی نسبت داده می‌شود (همان، ج ۵، ص ۲۱۴).

ج. در کنار دو دسته فقرات فوق، در فرازهای دیگری از ویشنوپورانه، مفهوم صفت و کیفیت معنای ضیق تری می‌یابد و تنها منحصر به سه ویژگی و کیفیت عمده می‌گردد. در این فقرات، خدای متعال با سه صفت ثابت و بنیادین معرفی می‌شوند که عبارتند از: پلیدی، نیکی و تاریکی. تفاوتی که این سه صفت با سایر اقسام صفات و کیفیات دارند، این است که برای آنها کارکردهای هستی‌شناسانه‌ای تعریف می‌شود که منشأ آثار و افعال خدای متعال می‌باشند (همان، ج ۲، ص ۸۷). برای فهم درست گونه‌های مختلف توصیف خداوند و جمع فقرات فوق در یک ساختار منسجم، باید تصویر روشنی از حقیقت وی و ارتباط ذات او با صفات و چگونگی عمل وی در جهان به دست آورد که توضیح آن خواهد آمد.

۳. موجودات الوهی و خدایان

در ویشنوپورانه، در کنار موجوداتی همچون انسان‌ها، حیوانات و جانداران دیگر که با عالم طبیعت مرتبط هستند، از موجودات دیگری نام برده شده که باید آنها را با عالم الوهی مرتبط دانست. مرور فقراتی که مشتمل بر بیان این موجودات الوهی است و از آنان به خدایان تعبیر شده، بیانگر این است که این موجودات الوهی، از سویی متمایز از خدای واحد و متعال هستند و از سوی دیگر، با موجودات طبیعی نیز تفاوت‌های آشکاری دارند.

در ویشنوپورانه، خدایان همچون موجودات دیگر مخلوق خدای متعال هستند. همچنان‌که وقتی پراسپه در مقام بیان چگونگی خلق موجودات توسط خدای متعال برمی‌آید، به مِتریه توضیح می‌دهد که برهما، در نتیجه تأمل برخواستن به خلق چهار نوع مخلوق اقدام کرد که عبارت بودند از: خدایان،

دیوان (آسوره‌ها)، اجداد انسانی (پیتری‌ها) و افراد بشر (همان، ج ۱، ص ۷۹-۸۰). به همین دلیل، در این متن برای تمایز این خدایان نسبت به خدای متعال، در فرازهای متعددی برای اشاره به خدای غیرشخصی و متعال، از واژه «خدای خدایان» استفاده می‌شود (همان، ج ۲، ص ۸۸).

همراهی خدایان با خدای متعال برای انجام مهم‌ترین وظایف و کارکردهای خود نیز از دیگر شاخصه‌هایی است که می‌توان برای خدایان ویشنوپورانه برشمرد. همچنان‌که وقتی خدای متعال قصد حفاظت از موجودات انسانی را دارد، خود را در قالب ایندرا و خدایان دیگر ظاهر می‌سازد (همان، ج ۳، ص ۲۵۲). یا در جایی که به افسانه لکشمی پرداخته می‌شود، از تجدید انرژی خدایان توسط خدایان برای انجام وظایف محوله سخن می‌رود. در اینجا ویشنو به آسوره‌ها دستور می‌دهد تا گیاهان دارویی را در دریای شیر بریزند و اعمال دیگری را به دستور وی انجام دهند (همان، ج ۱، ص ۱۴۲-۱۴۳).

علاوه بر نقش معاونت و همراهی خدای متعال، نقش دیگر خدایان در ارتباط با رفع حوائج موجودات انسانی ظاهر می‌گردد. جایی که محور مسئلت و تمنای انسان‌ها برای رفع حوائج قرار می‌گیرند. نمونه‌ای از ایفای این نقش را می‌توان در افسانه مربوط به شاهزاده‌ای به نام لیمی مشاهده کرد؛ جایی که برای احیای مجدد وی در قالب جسمانی، مراسم قربانی تدارک دیده می‌شود و روحانیون متصدی مراسم، از خدایان می‌خواهند که بر بانی قربانی برکت فرستند و به لیمی حیات دیگری عطا کنند. هرچند لیمی، خود تمایلی به این مسئله ندارد. در مقابل، از خدایان می‌خواهد که به جای زنده کردن بدن وی، کاری کنند که وی پیوسته در چشمان تمامی موجودات زنده باشد. با این درخواست، خدایان نیز نازل شده و تقاضای وی را مستجاب می‌کنند (همان، ج ۳، ص ۳۲۹).

با مرور فقرات فوق می‌توان گفت: در ویشنوپورانه، علاوه بر خدای متعال، که وجودی غیرشخصی و ساری در همه پدیده‌هاست، موجودات الوهی دیگری نیز مطرح هستند که علاوه بر اینکه خود، مخلوق خدای متعالند، اعمال الوهی نیز به آنها نسبت داده شده است. این دو ویژگی، شاخصه مشترک خدایان متکثر در ویشنوپورانه است؛ هرچند از حیث اهمیت، جایگاه و نیز کارکردهای الوهی، مراتب متفاوتی دارند که باید در ترسیم نظام خداشناسی مورد توجه قرار گیرد.

ج. تبیین نسبت و ربط اجزای نظام

در اینجا، به‌عنوان بخش دیگری از پروسه نظام‌سازی خداشناسی ویشنوپورانه، نسبت و ربط ذات خداوند، با صفات وی، رابطه وی با سایر خدایان و رابطه ذات ویشنو و مخلوقات تبیین شده است.

۱. ذات نیرگونه و سه‌گونه ویشنو

گذشت که ذات ویشنو و کیفیات وی، مقولاتی هستند که فقرات متعددی از ویشنوپورانه به بیان احکام آنها اختصاص یافته است. اما آنچه قابل تأمل است، اینکه این متن از کیفیت رابطه آن دو ارائه کرده است؛ چراکه اگر عدم شخص‌وارگی را محوری‌ترین حکم ذات تلقی کنیم، اتصاف ذات به صفات مشخص و معین را چگونه باید توجیه کرد؟

در ویشنوپورانه با عبارات متضادی از اتصاف خداوند به صفات متکثر سخن رفته است؛ برخی ذات ویشنو را عاری از هرگونه صفتی به تصویر می‌کشند. برخی دیگر، هر آنچه را بهره‌ای از نام صفت دارد، به وی نسبت می‌دهند. در نقل اسطوره‌خاندان پراچتاس آمده است: وقتی فرزندان این خاندان بنا به خواست و میل پدر، برای تکثیر نسل بشر به اعماق دریا رفتند، خدای متعال را روحی ناب، خالص و فارغ از هرگونه کیفیت و صفتی معرفی کرده و کسانی که وی را متصف به صفات و کیفیات می‌دانند را جاهل و بی‌بهره از معرفت صحیح دانستند (همان، ج ۱، ص ۱۹۷). درحالی‌که وقتی برهما، به همراه گروه خدایان به پیشگاه خدای متعال رفته، تا از وی برای از بین بردن ناپاکی از روی زمین استمدا کنند، از یکسو، ویشنو را با صفات و کمالات متعددی همچون حکمت و قدرت و بخشندگی می‌ستاید و از سوی دیگر، صفاتی همچون خستگی، تنبلی، ترس، عصبانیت و هوس را از وی سلب می‌کند (همان، ج ۴، ص ۲۵۲-۲۵۵). روشن است که از میان دو گونه توصیف فوق، فرازهایی که به نفی مطلق صفات از ویشنو پرداخته‌اند با ذات غیرشخصی وی سازگارترند؛ چراکه اتصاف به هر صفتی، در حقیقت پذیرش نوعی تشخیص است. با این حال، برای کنار گذاشتن حجم عظیمی از عبارات دسته دوم، دلیلی وجود ندارد. از این رو، بهتر است به دنبال یافتن راه جمعی برای این دو دسته عبارات باشیم. به نظر می‌رسد، ذومراتب دانستن ذات، راه مناسبی برای فهم رابطه ذات غیرشخصی خدای متعال و کیفیات متکثر او باشد. اگر گفته شود غیرشخصی بودن خداوند، مربوط به عالی‌ترین مرتبه و کنه ذات اوست و اتصاف به صفات، به مراتب تنزل‌یافته وی مربوط می‌شود، شاید چاره کار باشد. آنچه ما را در این برداشت مصمم‌تر می‌کند، گزارش ویشنوپورانه از شهود کسانی است که ساحت‌های گوناگون هستی را طی کرده، پس از خارج شدن از حالت اتحاد با ویشنو و بازگشت به عالم کثرت و در نتیجه شهود حیثیات مختلف ذات ویشنو، به اثبات و نفی همزمان صفات از آن ذات اقدام کرده‌اند (همان، ج ۲، ص ۶۲).

ملاحظه تعالیم مکتب ودانته عاری از ثنویت، روشن می‌کند که ویشنوپورانه در ارائه چنین تصویری از صفات خدای متعال و ارتباط آن با ذات از این مکتب تأثیر پذیرفته است. در مکتب ودانته، برای

برهمن مرتبه‌ای نیرگونه در نظر گرفته می‌شود که فاقد هرگونه صفت و کیفیتی حتی صفت وجود است. در نظر این مکتب، ذات نامتناهی برهمن ما فوق هستی و محیط بر آن است. هیچ صفتی حتی وجود را نمی‌توان به وی نسبت داد. اما به محض اینکه هستی پدید می‌آید، ذات نامتناهی برهمن به نخستین صفت خود، یعنی هستی و وجود موصوف می‌گردد. پس از آن، تمام صفات و کیفیات جهان، که اساس پدیده‌های عالم است، از این مبدأ اولیه صادر می‌گردند. این مقام و مرتبه دیگری از برهمن است که «سگونه» نامیده می‌شود (شایگان، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۸۱۷). اگرچه در ویشنوپورانه برای توصیف مراتب دوگانه خداوند از این اصطلاحات ودانته‌ای استفاده نشده، اما تبیینی که این متن از دو مرتبه ذات، یعنی مرتبه عاری از صفات و مرتبه متصف به صفات به عمل آورده، تطابق زیادی با دو مرتبه نیرگونه و سگونه برهمن در مکتب ودانته دارد. از این رو، می‌توان از این واژگان در ترسیم ساختار نظام خدانشناسی این متن سود برد و رابطه بین ذات غیرشخصی و صفات را این‌گونه تبیین کرد: ذات نیرگونه خدای متعال غیرشخصی و عاری از هرگونه صفت و کیفیتی است و ذات سگونه وی پذیرای جمیع صفات کمالی می‌باشد.

۲. خدای متعال و تشخیص در قالب خدایان

همان‌گونه که گذشت، در ویشنوپورانه علاوه بر پرداختن به کیفیات ذاتی و صفاتی خدای متعال، از خدایان دیگری نام برده شده که در سنت هندویی خدایان نام‌آشنایی هستند و در ادبیات هندویی، ده‌ها اسطوره و افسانه پیرامون آنها شکل گرفته، هر یک مقصود نیایش بسیاری از دلدادگان می‌باشند. تبیین رابطه خدای متعال با این خدایان متکثر به‌گونه‌ای که به وحدت و بساطت ذات خدای متعال خللی وارد نسازد، از جمله اقداماتی است که در ویشنوپورانه در راستای ارائه نظام منسجمی از خداباوری به انجام رسیده است. هرچند میزان موفقیت این متن در این مهم، قابل نقد و بررسی جدی است.

در بررسی صفات خداوند در ویشنوپورانه، در کنار صفات کمالی که به وی نسبت داده شده، در برخی فقرات، ذات ویشنو با سه کیفیت مشخص پلیدی، نیکی و تاریکی توصیف شده است. تأمل در کارکردهای هستی‌شناسانه این صفات، می‌تواند در فهم رابطه ذات بسیط خدای متعال و خدایان متکثر بسیار ضروری است؛ چراکه از جمله مهم‌ترین کارکردهای هستی‌شناسانه این صفات، نقشی است که در صدور افعال و کارکردهای سه‌گانه خدای متعال، یعنی خلق و حفظ و نابودگری ایفا می‌کنند (همان، ج ۱، ص ۴۳). از این رو، شباهت فراوانی با گونه‌های سه‌گانه مکتب سنکهایه می‌یابند.

گونه‌های سه‌گانه در مکتب سانکهایه یوگه، که پنج قرن پیش از میلاد شکل گرفت، تار و پود جهان

هستی‌اند که از نهاد پرکرستی پدیدار می‌شوند و بسط و قبض آنها، منشأ حدوث و نابودی عالم می‌گردد (کونستانس و رایان، ۲۰۰۷، ص ۱۷۱). گونه‌های سه‌گانه عبارتند از: سَتَوَه، رَجَس و تَمَس. «سَتَوَه»، جنبه‌ای از طبیعت است که درخشان، سفید و ساکن است. «رَجَس»، بخشی از طبیعت است که کدر، سرخ‌گون و در حال جنب و جوش است. «تَمَس»، بخشی از طبیعت است که ناخالص، تاریک و خنثا و بی‌اثر است (همان، ص ۱۳۴). اما آنچه درخور تأمل است، مرتبط ساختن این کیفیات با خدایان اصلی هندویی در ویشنوپورانه است. در فقرات بسیاری از ویشنوپورانه، زمانی که صحبت از خلق، حفظ و نابودی جهان به دست خدای متعال است، در پایان تأکید می‌شود که انجام این کارکردها، در نتیجه اتصاف به یکی از گونه‌های سه‌گانه فوق است (همان، ج ۲، ص ۸۷). برای تبیین درست از این فقرات، باید گفت: کیفیات سه‌گانه به واسطه تعین خود، تشخص ویژه‌ای را به ذات غیرشخصی خدای متعال بخشیده، موجب می‌شوند خداوند با اتصاف به آنها، در قالب یکی از خدایان اصلی یعنی برهما، ویشنو و شیوه ظاهر شده، جهان را خلق کرده، آن را حفظ کند و در نهایت، بساط آن را برچیند. به همین دلیل، زمانی که سخن از سه کارکرد مهم خدای متعال، یعنی خلق، حفظ و نابودکنندگی است، هَری (ویشنو متعال)، با به فعالیت در آمدن و پذیرش کیفیت عمل، برهما شد و به خلقت جهان پرداخت. آن‌گاه، به واسطه کیفیت خیر و نیکی، جهان را در طول دوره‌های گوناگون حفظ می‌کند، تا پایان دوره کَلِپه، که در آن زمان جاندارنه (از القاب ویشنو)، به واسطه کیفیت تاریکی شکل رودره مهیب را به خود می‌گیرد و جهان را نابود می‌کند (همان، ج ۱، ص ۴۱). از این رو، می‌توان به نسبتی بین خدای متعال و خدایان سه‌گانه دست یافت و با استفاده از صفات و کیفیات سه‌گانه، به بهترین شکل رابطه جنبه نیرگونه خداوند را با خدایان سه‌گانه تبیین کرد و تثلیث هندویی را در وحدت ذات خداوند هضم نمود.

اما در میان سه کارکرد فوق، آنچه نقش مهم‌تری در تحکیم رابطه خدای متعال با ماسوا ایفا می‌کند، کارکرد حفظ جهان است که از طریق تشخص، در قالب ویشنو محقق می‌شود. ویشنو، حافظ جهان است و وظیفه دارد در مواقعی که خطری جهان و موجودات آن را تهدید می‌کند، دخالت کرده، زمین را از لوٹ اشرار و دیوان پاک سازد. همین مسئولیت، متقابلاً ویشنو را محور حمد، ستایش، دعا و عرض حاجات قرار داده، جریان پرستش و عبودیت خدای متعال را به سمت وی هدایت می‌کند. چنین جایگاهی برای ویشنو در ویشنوپورانه، موجب شده زمانی که صحبت از خدای متعال و ذات غیرشخصی وی در کنار خدایان دیگر است، با نام ویشنوی متعال از او یاد شود (همان، ج ۱، ص ۱۳). اینها، حکایت از جایگاه رفیع‌تر این خدا، نسبت به خدایان هم‌تراز در این متن دارد.

از سوی دیگر، عملکرد ویشنو به عنوان جلوه کارکرد نگهدارندگی خدای متعال در نظم بخشیدن به مجموعه خدایان هندویی نیز بسیار مورد توجه ویشنوپورانه است. این عملکرد، این ظرفیت را داشته تا خدایان متکثر را به عنوان عاملان و کارگزاران وی برای حفظ جهان در ذیل ویشنو قرار داده، آنها را مظهر و تشخیص ویشنو معرفی کند؛ به این معنا که ویشنو در قالب خدایان در دوره‌های مختلف تاریخی و منوثره‌ها ظاهر شده، جهان را حفظ می‌کند (همان، ج ۳، ص ۱۵-۱۴). از این رو، می‌توان خدایان و موجودات الوهی در نظام خداشناسی ویشنوپورانه را اشکال متشخص و تجسدهای ویشنو دانست. بنابراین، خدایان متکثر را از طریق وی در راستای مبدأ واحدی، یعنی همان خدای متعال نظم بخشید.

۳. انتشار انرژی ویشنو ظهور مخلوقات

از جمله اموری که باید در ترسیم نظام خداشناسی ویشنوپورانه مورد توجه قرار گیرد، رابطه خدا، جهان و پدیده‌های آن است. اینکه آیا خداوند، متباین از جهان بوده و خارج از آن به خلق و تدبیر آن می‌پردازد، یا موجودی ساری و جاری در همه مخلوقات است و این پدیده‌ها مظهر و صورتی از وی می‌باشند، در تصویر کلی خداباوری این متن نقش مهمی دارد.

از جمله مفاهیمی که در ویشنوپورانه، برای اشاره به خدای غیرشخصی به کار رفته، روح متعال است. از دیدگاه این متن، ویشنو روح متعال است که جهان از او نشئت گرفته و در او منحل می‌شود. این روح متعالی، با جهان یکی است و ذات و حقیقت همه امور را تشکیل داده، با آنها متحد است (همان، ج ۲، ص ۲۳۶). قید «متعال» احترازی است و برای متمایز کردن روح متعال از روح تجسم‌یافته «embodied spirit» به کار رفته است. برای تبیین روح تجسم‌یافته، انرژی ویشنو در درجات مختلف، تجسم و تجسد یافته، موجب پدیدار شدن، مخلوقات می‌شود (همان، ج ۵، ص ۲۳۵).

ارتباط دادن پیدایش موجودات با انرژی ویشنوی متعال، به‌خوبی رابطه اتحادی وی با جهان و پدیده‌های آن را تبیین می‌کند که در ترسیم تصویری وحدت وجودی از هستی به کار می‌رود. برای توضیح پیدایش موجودات، بر اساس این تصویر، باید گفت: ذات غیرشخصی خدای متعال، همچون انرژی منتشر می‌شود و ابعاد گوناگون موجودات، بسته به دور یا نزدیک بودن از منبع انرژی و بهره‌مندی از آن، پدیدار می‌شوند. این سلسله‌مراتب در ویشنوپورانه، بدین شکل چینش می‌شوند: در طبقه اول، خدایان اصلی یعنی برهما، ویشنو و شیوا قرار دارند. در طبقه دوم، خدایان و دوه‌ها قرار می‌گیرند. در طبقه سوم، ارواح ملازم جای دارند. به همین ترتیب، انسان‌ها حیوانات و گیاهان هریک به میزانی که از منبع انرژی دورتر می‌شوند، حظی کمتری از وجود می‌یابند (همان، ج ۲، ص ۹۲-۹۳).

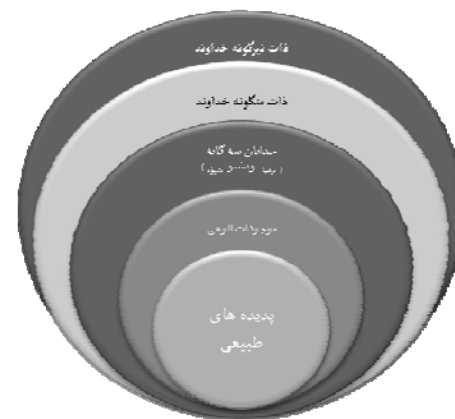
با لحاظ این آموزه، به‌خوبی می‌توان رابطه بین خدای متعال و مخلوقات را در ویشنوپورانه به گونه‌ای تبیین کرد که انسجام ساختاری نظام خداشناسی این متن حفظ شود؛ چراکه چنین تصویری با احکامی که برای ذات خداوند در این متن شمرده شده، سازگاری بیشتری دارد، و یکپارچگی و اصل وجود خداوند را کماکان حفظ کرده، بر آن خدشه‌ای وارد نمی‌سازد.

د. ترسیم نظام

با لحاظ اجزاء و مؤلفه‌های نظام خداشناسی ویشنوپورانه و ربط و نسبت این اجزاء با یکدیگر، این نظام را می‌توان به صورت سلسله‌ای طولی از تجسدهات و تعینات ذات غیرشخصی خدای متعال به شکل زیر تصویر کرد:

در عالی‌ترین سطح و مرتبه سلسله طولی نظام فوق، ذات نیرگونه خداوند قرار دارد که دارای وجودی بسیط، غیرشخصی و فارغ از هرگونه صفت و کیفیتی است. همین ویژگی اشمال وی بر تمامی مراتب هستی را تصحیح می‌کند. در مرتبه بعد، ذات سگونه خداوند قرار دارد که عبارت از: ذات متصف به سه کیفیت روشنایی، گسترش و تاریکی است. در این مرتبه، ذات نیرگونه خداوند از حالت عدم تشخیص خارج شده و اولین تعینات، که همان صفات سه‌گانه باشد، می‌پذیرد. خداوند در این مرتبه، گاه با عنوان «بهگوان» خوانده می‌شود؛ عنوان «بهگوتَه» یا «بهگوان» مناسب‌ترین عنوانی است که برای اشاره به ذات بی‌نام و نشان روح متعال به کار می‌رود. این اسم متشکل از سه جزء «Bhā»، «ga» و «va» است که به ترتیب، به‌عنوان «حامی و تسلی‌بخش جهان»، «خالق جهان» و «اتحاد با کل جهان» دلالت می‌کند (همان، ج ۵، ص ۲۱۳). در مرتبه بعد، خدایان اصلی و سه‌گانه برهما، ویشنو و شیوه قرار دارند که صورت و شکل تشخیص یافته ذات خداوند متعال بوده و هریک در نتیجه اتصاف ذات نیرگونه به یکی سه کیفیت پدید آمده‌اند. خدای متعال، با در آمدن به صورت این خدایان، به انجام سه کارکرد اصلی خود، یعنی خلق و حفظ و نابودگری جهان می‌پردازد. در مرتبه بعد، خدایان و موجودات الوهی قرار دادند که گاه با عناوینی چون دوتَه و گِرامه دوتَه خوانده می‌شوند و تجسد و تجسم جزئی‌تر مظهر نگهدارندگی خداوند، یعنی ویشنو هستند. ویشنو، برای حفظ جهان و انجام مسئولیت‌های خود در قالب این خدایان متجسد شده و در ادوار گوناگون تاریخی، در قالب شخصیت‌های الوهی به حفظ جهان می‌پردازد. همچنین نیکان و اجداد انسانی، که اصطلاحاً «پیتری‌ها» خوانده می‌شوند، نیز در این مرتبه قرار دارد. هرچند در ویشنوپورانه جایگاهی فروتری از خدایان فرعی، برای آنها لحاظ می‌شود. همچنان‌که گاه در تشریح ادوار گوناگون تاریخی گفته می‌شود که یک ماه موجودات زمانمند و این

جهانی، معادل به یک شب و روز نیاکان است؛ یک سال آنها، معادل یک شب و روز خدایان است و دوهزار سال از مجموع چهار دوره جهانی، معادل یک شب و روز بره‌ماست (همان، ج ۵، ص ۱۷۰). سرانجام، و در مرتبه آخر تجسّدات خلقی خداوند قرار دارند که صورت تعیین یافته انرژی ویشنوی متعال بوده و بسته به میزان بهره‌مندی از انرژی وی، در مراتب مختلف جای می‌گیرند. نظام خدانشناسی ویشنوپورانه را می‌توان در قالب نمودار زیر به تصویر کشید:



نمودار فوق، نمایانگر سلسله مراتب تشخیص ذات نیرگونه خدای متعال بوده که ذاتی بسیط، یکپارچه و غیرشخصی است. از این رو، مشتمل بر تمامی مراتب هستی و مخلوقات است. همچنین ذات سه‌گونه، که با رنگی متفاوت نمایش داده شده، بیانگر مرتبه تعیین یافته‌ای نیست و تنها مصحح ظهور ذات غیرشخصی خدای متعال در قالب خدایان سه‌گانه است. در مرتبه خدایان سه‌گانه نیز سه خدای اصلی برهما، ویشنو و شیوه قرار دارند. از این میان، ویشنو از جایگاه رفیع تری برخوردار است و مراتب بعدی اساساً ظهور و تجسد وی به‌شمار می‌رود. موجودات الوهی نیز مشتمل بر خدایان فرعی و موجوداتی است که نوعی الوهیت دارند. در ویشنوپورانه تجسد ویشنو برای برقراری نظم و درستکاری در ادوار گوناگون تاریخی محسوب شده‌اند. سرانجام، پدیده‌های طبیعی جای دارند که حصه‌ای از انرژی ویشنو بوده، مشتمل بر تمامی موجودات اعم جانداران و جلوه‌های طبیعی خلقت می‌باشد.

ه. نتایج هستی‌شناسانه

در اینجا برخی پیامدهای نظام خدانشناسی ویشنوپورانه در بعد هستی‌شناسی بیان می‌گردد؛ چراکه این نتایج در دستیابی به فهم بهتری از این نظام، کمک شایانی خواهد نمود.

۱. اثبات وحدت وجود از طریق تبیین ساحات دوگانه ویشنو

از جمله ویژگی‌های نظام خدانشناسی ویشنوپورانه، اینکه نظامی وحدت وجودی است و کل هستی را با ذات خدای متعال برابر می‌داند. در این نظام، ذات خدای متعال به‌عنوان حقیقتی غیرشخصی در ذات همه پدیده‌ها سریان داشته، و بلکه با تمامی موجودات متحد است.

همان‌گونه که گفته شد، در فقرات بسیاری از ویشنوپورانه، به صراحت از اتحاد ویشنو با موجودات و پدیده‌های طبیعی سخن می‌رود. تمامی ستارگان، جنگل‌ها، کوه‌ها، رودها و دریاها ویشنو دانسته شده، با او متحدند. از این رو، می‌توان گفت: این متن به لازمه تفسیر خاص خود از هستی خدای متعال ملتزم بوده، تمامی موجودات را با ذات ویشنو یکی می‌داند؛ چراکه موظف است هستی و کثرات آن را به گونه‌ای به تصویر بکشد که خدشه‌ای به وحدت و یکپارچگی ذات ویشنو وارد نگشته، محدودیتی برای ذات وی رقم نخورد.

آنچه ویشنوپورانه را در انجام رسالت فوق یاری رسانده، اثبات دو ساحت متعال و مشهود برای ذات ویشنوست. در فصل نوزدهم از کتاب اول این متن، در مورد شاهزاده پرلاده (parahlāda) گفته می‌شود که در نتیجه انجام مراقبه، ویشنو بر او ظاهر شده، توانسته بود با وی متحد شود. وی پس از مدتی، به جهان خارج بر می‌گردد و با مشاهده آسمان و زمین، درمی‌یابد چه کسی بوده است و خود را پرلاده می‌بیند. پس از آنکه ذهن او آرام گرفته و کنترل کلام، تفکر و عمل خود را به دست می‌گیرد، پوروشتمه (Purushottam؛ لقب کریشنه) را با صفات متضادی این‌گونه می‌ستاید که تو هم مشهودی و هم غیرمشهود (همان، ج ۲، ص ۶۲).

چنین بیان متضادی، اگرچه در ابتدا ممکن است غیرقابل درک باشد، اما ملاحظه مبانی این متن در مورد هستی خدای متعال، آنها را موجه می‌سازد. در حقیقت، استفاده از مفهوم «روح متعال» برای اشاره به خداوند، این امکان را برای ویشنوپورانه فراهم ساخته تا عینیت خدا و جهان را به خوبی تبیین کند. خدا که روح متعال است، همان روح جهان‌شمولی است که در همه پدیده‌های عالم وجود دارد و با آنها متحد است و تمامی جهان، همانند بدن و صورتی برای این روح متعال است. در ویشنوپورانه، گفته می‌شود که ویشنو (هری)، متحد با همه اموری است که یا با نام‌های کوتاه و یا بلند مشخص می‌شوند و یا چیزهایی که نامی نمی‌توان بر آنها نهاد. آن‌گاه، برای تبیین این مسئله گفته می‌شود که او روح متعال است که لباس جهان را بر تن کرده است (همان، ج ۵، ص ۲۰۱).

ارائه تصویر فوق از ساحات گوناگون خدای متعال، به‌خوبی می‌تواند کثرات مشهود در عالم عین را

در وحدت ذات ویشنو هضم کند و با تفکیک دو ساحت متعال و ساحت مشهود، که در قالب جهان نمودار شده، ضمن تأکید بر وحدت ذات، کثرات را بدن و صورت وی تلقی کرده، از پذیرش کثراتی خارج از ذات پرهیز کند.

۲. نفی وجود ماسوا با تأکید بر کاستی‌های قوه فاعله

از جمله ویژگی‌های نظام خداشناسی ویشنوپورانه این است که در کنار اثبات وحدت وجود و مساوی دانستن ذات خداوند با تمام هستی، وجود ماسوا را وجودی موهوم و فاقد حقیقت خارجی معرفی می‌کند. در فصل دوم از کتاب اول ویشنوپورانه آمده است که جهان محسوس، به‌عنوان ابزار و وسیله‌ای برای شناخت خداوند است. ویشنو از طریق امور محسوس و مشاهده‌پذیر قابل شناخت است. با این حال، از آنجاکه چنین شناختی ناشی از ظهور غلط‌انداز ویشنو در این پدیده‌هاست، می‌تواند به حجایی برای درک ماهیت ویشنو تبدیل شود؛ یعنی زمانی که این پدیده‌های جهان، منفک از ویشنو دیده شوند (همان، ج ۱، ص ۱۶-۱۵). چنین تصویری از ماهیت جهان و پدیده‌های مشهود، این برداشت را به دست می‌دهد که از حیث هستی‌شناسی، این متن برای وجود ماسوا تحقق خارجی قائل نبوده، بلکه قوه فاعله انسان به خطا گمان می‌کند. آنچه خدای متعال خود را در قالب آن ظاهر کرده، بهره‌ای از واقعیت دارد.

مکان دیگری که به خوبی می‌توان نفی وجود را از غیرخدا مشاهده کرد، فقراتی از ویشنوپورانه است که ذات خداوند را با علم و آگاهی مساوی می‌داند. در این فقرات، با استناد به تساوی ذات ویشنو با علم، وجود وی حقیقتی غیرشخصی و یکپارچه معرفی می‌شود. در پی آن، تمامی تکثرات اعم از دریاها و اقیانوس‌ها و سایر پدیده‌های طبیعی را مظهری از او معرفی می‌کنند که قوه فاعله به اشتباه آنها را حقیقت پنداشته است (همان، ج ۲، ص ۳۰۹).

بنابراین، می‌توان گفت: از منظر ویشنوپورانه تنها حقیقتی که می‌توان نام وجود را بر وی نهاد، ذات خدای متعال است. هر آنچه موجود تلقی می‌گردد، در حقیقت اشکال و صورتی از این وجود صرف می‌باشند که جز در ذهن و قوه فاعله، تحقق دیگری ندارند. شاید این معنا، تفسیر فقراتی از این متن باشد که خدا را متحد با کل جهان معرفی می‌کند و برای اشاره به حقیقت وی، تنها نام وجود (Sat) را شایسته وی می‌داند (همان، ج ۵، ص ۱۶-۱۵).

هرچند برخی محققان همچون خود ویلسون، مترجم ویشنوپورانه، عباراتی را که از عدم تحقق واقعی موجودات سخن می‌گویند، ناظر به نفی وجود استقلال پدیده‌های مشهود می‌دانند (ویلسون،

۱۸۴۰، ج ۱، ص ۱۶-۱۷). اما آنچه مسلم است، حتی اگر چنین معنایی مراد مؤلفان ویشنوپورانه باشد، در تبیین این وجود ربطی، به گونه‌ای که تضادی با صرف‌الوجود بودن خداوند نداشته باشد، تلاش جدی مشاهده نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

با ملاحظه نظام خداشناسی ویشنوپورانه و مؤلفه‌ها و اجزای تشکیل‌دهنده آن، می‌توان به نتایج زیر رسید:

۱. نظام خداشناسی ویشنوپورانه را باید سلسله‌مراتب طولی از تشخصات ذات غیرشخصی و بسیط خدای متعال دانست. در این نظام، خداوند دارای حقیقتی غیرشخصی است که ساری در همه پدیده‌هاست؛ تمامی موجودات در درجات و مراتب مختلف، مظهر و تشخصی وی می‌باشند.
۲. خداوند در ویشنوپورانه، دارای دو مرتبه نیرگونه و سه‌گونه است: در مرتبه نیرگونه، عاری از هرگونه صفت و کیفیتی است. در مرتبه سه‌گونه، پذیرای تمامی صفات و کیفیات می‌باشد. صفات خداوند افزون بر اینکه، حاکی از کمالات ذاتی خداوندند، دارای کارکردهای هستی‌شناسانه نیز بوده، مصحح افعال وی می‌باشند.
۳. خدای متعال با تشخص در خدایان اصلی، یعنی برهما، ویشنو و شیوه به انجام سه کارکرد مهم خود، یعنی خلق، حفظ و نگهدارندگی می‌پردازد. ویشنو نیز با ظهور و تجسد در خدایان فرعی و موجودات الوهی، به حفظ و اداره جهان اقدام می‌کند. از این‌رو، خدایان اصلی و فرعی و موجودات الوهی را باید وسیله‌ای برای انجام افعال و نفوذ اراده خداوند در جهان دانست.
۴. نظام خداشناسی ویشنوپورانه، نظامی وحدت وجودی است و هستی از دیدگاه این متن، وجودی یکپارچه است که با ذات ویشنو مساوی می‌باشد. از این‌رو، نمی‌توان تفکیک هستی‌شناسانه‌ای را بین ذات خدا و سایر موجودات در نظر گرفت. در این متن، آنچه غیر از خداست، تنها در اثر خطای قوه فاعله موجود تلقی می‌گردند. در حقیقت، بهره‌ای از تحقق خارجی ندارند.

منابع

- شایگان، داریوش، ۱۳۸۶، *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، چ ششم، تهران، امیرکبیر.
- فرامرزی قراملکی، احد، ۱۳۸۷، *روش‌شناسی مطالعات دینی*، چ چهارم، مشهد دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- Constance A. Jones, and James D. Ryan, ۲۰۰۷, *Encyclopedia of Hinduism*, US, Fact and File, An Imprint Infobase Publishing.
- Rocher, Ludo, ۱۹۸۹, *The Purana: A History of Indian Literature*, V.۲, Germany: Otto Harrassowitz.
- Hardy, Friedhelm, *Viraha Bhakti- The early History of Krsna Devotion in South India*, Oxford University Press, ۲۰۰۱.
- Prasoon, Shrikant, Rishis & Rishikas, ۲۰۰۹, New Delhi: Pustak Mahal.
- Steven J. Rosen, ۲۰۰۶, *Essential Hinduism*, United State, Praeger Publishers, p.۱۴۰.
- Wilson, H. H, ۱۸۴۰, *The Vishnu Purāna: A System of Hindu Mythology and Tradition*, Calcutta: punthi Pustak.